



ضرورت پیوستن به نهضت عادی سازی

# دانش آموزان تیزهوش و آموزش فراگیر، چرا؟

دکتر احمد به پژوه  
استاد روان شناسی  
دانشگاه تهران



اهمیت آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت را به عنوان مهم ترین عامل رشد و توسعه، هیچ گاه نمی توان در طول تاریخ بشر نادیده گرفت و بی شک توجه به آن از جایگاه و منزلت ویژه ای برخوردار است. از این رو، در دهه های اخیر در حوزه آموزش و پرورش عادی به طور اعم و در حوزه آموزش و پرورش ویژه به طور اخص (تعلیم و تربیت افراد استثنایی، افراد با نیازهای ویژه یا افراد با توانایی های گوناگون)، رویدادهای فراوانی رخ داده، پژوهش های بی شماری صورت گرفته، اندیشه های نوینی متبلور و روش ها و راهبردهای گوناگونی مطرح و افق های روشنی آشکار شده است.

نگاهی تاریخی به آموزش و پرورش، بیانگر این است که در گذشته در سراسر جهان، جداسازی آموزشی به عنوان تفکر غالب مطرح بوده است؛ اما امروزه برنامه های یکپارچه سازی آموزشی و اجتماعی، آموزش تلفیقی و فراگیر، رشد همه جانبه، فراهم کردن فرصت های برابر و محیط های با کمترین محدودیت، توجه به حقوق انسانی یادگیرندگان با ویژگی ها و توانایی های گوناگون، پذیرش چند فرهنگی و تحقق عدالت آموزشی تفکر و باور رایج قلمداد می شود.

هدف از تأسیس مدرسه چیست؟ هدف از رفتن به مدرسه کدام است؟ مدرسه مطلوب، چه نوع مدرسه ای است؟ این

پرسش هایی است که پاسخ های بسیاری دارد و هر کدام از این پاسخ ها، برنامه ها و فعالیت های گوناگونی را در مدرسه و کلاس درس به دنبال دارد. در کشورهایی که به آزادی های سیاسی قائل هستند و به چند فرهنگی احترام می گذارند، بیشتر مدارس این گونه هدف ها را دنبال می کنند: تربیت شهروند آزادمنش و قانونمند، یادگیری برای تمام طول عمر و کسب مهارت های لازم برای تبدیل شدن به یک عضو با ارزش جامعه. با وجود این، در حال حاضر بسیاری از مدارس ساختار برنامه ها و فعالیت های خود را در جهت تضمین منافع برخی از گروه ها و طبقات اجتماعی و بر اساس جداسازی آموزشی مستمر و نظام مند دانش آموزان بر حسب توانایی، نژاد و طبقه اجتماعی، دنبال می کنند که باید در آن بازنگری شود؛ مانند مدارس غیر انتفاعی که همگان (طبقه پایین جامعه و فقیر) امکان دسترسی به آن را ندارند!

اینجانب در ارتباط با آموزش تلفیقی و فراگیر تحقیقات متعددی انجام داده و حدود بیست مقاله در سطح بین المللی و ملی منتشر و اخیراً با همکاری یکی از دانشجو یانم کتابی را ترجمه کرده ام به نام آموزش فراگیر: راهنمای عملی در حمایت از یادگیرندگان با توانایی های گوناگون (رجوع کنید به منابع این مقاله و تارنمای نویسنده). اکنون در نظام آموزشی ایران، یکی از بحث های اساسی این است که برای جابجایی دانش آموزان تیزهوش چه نوع مدرسه ای را باید انتخاب کنیم؟

نظام آموزش و پرورش کشورمان در طول تاریخ، مراحل گوناگونی را طی کرده است. در یک مرحله، مکتب خانه ها فعال بودند و تمام دانش آموزان (کم هوش و باهوش) در کنار

هم آموزش می دیدند. گفتنی است که نوع، روش و سرعت آموزش برای دانش آموزان در مکتب خانه ها، متفاوت بود و معلم مطابق با استعداد و سرعت یادگیری هر دانش آموز با او کاری کرد و ممکن بود یک دانش آموز صفحه ۲۰ کتاب و دیگری صفحه ۱۰۰ کتاب را آموزش می دید. در این روش دانش آموزان احساس متفاوت بودن نداشتند و در کنار هم آموزش می دیدند و به یکدیگر یاد می دادند و از یکدیگر یاد می گرفتند. این روش موجب می شد دانش آموزان به رشد همه جانبه یعنی رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی نایل شوند، یکدیگر را تکمیل کنند و برای زندگی در دنیای واقعی تربیت شوند. با نگاهی به تاریخچه آموزش و پرورش ویژه (استثنایی) ملاحظه می شود که در دنیا، آموزش و پرورش ویژه دوره های متعددی را پشت سر گذاشته است، به طوری که سومین دوره از سال ۱۹۰۰ آغاز می شود. این دوره با نهضت روان آزمایی، آزمون سازی و آزمونگری همزمان است. در این دوره آزمون های هوشی ساخته و جداسازی دانش آموزان با نیازهای ویژه یا استثنایی شروع می شود و سرانجام در این دوره، مدارس ویژه تأسیس می شوند و در برخی از کشورها، مدارس ویژه دانش آموزان تیزهوش به طور جداگانه ایجاد می شوند. این روند در اکثر کشورها قوت گرفت و ادامه یافت تا سال ۱۹۷۰ که در این سال دوره چهارم یعنی دوره نهضت عادی سازی آغاز شد. در این دوره، ارائه خدمات آموزشی و توان بخشی به شکل یکپارچه سازی آموزشی و آموزش تلفیقی در محیط های با کمترین محدودیت برنامه ریزی، اجرا و ساماندهی شد (رجوع کنید به کتاب ناتوانی هوشی).





دیگر شهروندان زندگی کند. گفتنی است که جامعه یکدست نیست و افراد با ویژگی‌ها و توانمندی‌های متفاوت در آن زندگی می‌کنند و فردی موفق خواهد بود که تعامل با انسان‌ها با ویژگی‌های گوناگون را بداند و از سعه صدر و تحمل لازم برخوردار باشد.

همچنین نظام آموزش فراگیر موجب می‌شود دانش‌آموزان تیزهوش در کنار دانش‌آموزان عادی به رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی لازم دست یابند. شایان ذکر است که رشد یک بعد را نباید فدای سایر ابعاد کرد، بلکه دانش‌آموزان تیزهوش باید در کنار دانش‌آموزان عادی قرار گیرند که از نظر اجتماعی، عاطفی و جسمانی با یکدیگر رشد کنند و برای رشد شناختی آن‌ها از روش غنی‌سازی استفاده شود.

### اجرای برنامه آموزش فراگیر، به چه پیش‌نیازهایی نیاز دارد؟

اجرای برنامه‌های آموزش فراگیر، پیش‌نیازها و استلزام‌های متعددی نیاز دارد و این گونه نیست که دانش‌آموزان تیزهوش را به طور فیزیکی در کنار دانش‌آموزان عادی قرار دهیم و بگوییم آموزش فراگیر محقق شده است! اگر برنامه درسی مناسب نباشد، اگر کلاس درس چهل نفره شد و اگر معلم آموزش لازم را فرنگرفته باشد، در اجرای این طرح موفق نخواهیم بود!

### برای اجرای آموزش فراگیر باید:

- ۱- نگرش خانواده‌ها، دانش‌آموزان، مدیران، معلمان و کارکنان در جهت پذیرش همه دانش‌آموزان با توانایی‌های گوناگون اصلاح شود.
- ۲- آگاهی خانواده‌ها، دانش‌آموزان، مدیران، معلمان و کارکنان در جهت تحقق هدف‌های آموزش فراگیر افزایش یابد.
- ۳- برنامه درسی مناسب با نیازهای آموزشی و اجتماعی و همسو با نهضت عادی‌سازی برای دانش‌آموزان با توانایی‌های گوناگون طراحی شود.
- ۴- معلمان ماهر و باانگیزه، گزینش، تربیت و آماده شوند.
- ۵- ساختار سازمانی مدرسه به منظور

سایر دانش‌آموزان تحصیل کنند، اما به نیازهای آموزشی ویژه آن‌ها باید توجه شود و در این جا بحث غنی‌سازی آموزشی مطرح خواهد شد. به بیان دیگر، ضرورت آموزش ویژه به معنای تأسیس مدرسه ویژه و جداسازی نیست، بلکه می‌توان آموزش ویژه و خدمات ویژه را نیز در مدرسه فراگیر ارائه کرد. یعنی دانش‌آموز تیزهوش در کنار سایر دانش‌آموزان حضور یافته و آموزش ببیند و از سوی دیگر برنامه غنی شده نیز برای او طراحی کنیم.

در نظام‌های آموزشی بسته، رشد همه جانبه دانش‌آموزان تحقق پیدا نمی‌کند. همان گونه که در شرایط موجود، رشد شناختی دانش‌آموزان تیزهوش ارتقا می‌یابد، اما رشد ابعاد دیگر مورد غفلت واقع می‌شود. در نتیجه این مسئله موجب شده است در بعد اجتماعی دانش‌آموزان تیزهوش خود را متعلق به این آب و خاک ندانند و تصور کنند تافته جدا بافته‌ای هستند! به گونه‌ای که شاهد هستیم دانش‌آموزان المپادی و نفرات برتر کنکور را که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی آموزش داده‌ایم و تربیت کرده‌ایم، اکنون در کشورهای آمریکایی و اروپایی زندگی می‌کنند و نظام آموزشی کشور ما در مسیر خدمت به آن کشورها قرار دارد و برای آنان نیروی انسانی شایسته تربیت می‌کند!

این وضعیت حاصل این روش جایابی است که دانش‌آموزان تیزهوش در مدارس جداگانه مجزا شده‌اند و در محیط ایزوله به آن‌ها آموزش داده‌ایم. از این رو، طبیعی است که دانش‌آموزان تیزهوش از متن اصلی جامعه و افراد عادی فاصله می‌گیرند و به جامعه احساس تعلق نمی‌کنند. در حالی که فرد تیزهوش، نباید خود را تافته جدا بافته بداند و باید به کشور خود احساس تعلق داشته باشد و باور کند که او هم مثل سایر افراد جامعه است و باید برای عمران و سربلندی ایران و خدمت به مردم آن تلاش کند. در مقابل، نظام آموزش فراگیر تأکید دارد که دانش‌آموز باید در محیط مدرسه، درس زندگی در جامعه را بیاموزد، مهارت‌های اجتماعی را کسب کند و یاد بگیرد که چگونه در جامعه و در کنار

مستقل‌سازی، آموختن برای زیستن و آماده‌سازی فرد برای زندگی در دنیای واقعی است.

نهضت عادی‌سازی تلاش می‌کند تا محیط بسته و با بیشترین محدودیت را به محیط باز و با کمترین محدودیت تبدیل کند. نهضت عادی‌سازی الگوی واحدی را ارائه نمی‌دهد که دانش‌آموزان فقط در یک محیط بسته تربیت شوند، بلکه به دنبال تنوع و توجه به چند فرهنگی است. نهضت عادی‌سازی بر این باور مبتنی است که جداسازی موجود در مدرسه ویژه و مجزا که نوعاً تبعیض‌آمیز است، باید تعطیل شود و تمام دانش‌آموزان در کنار یکدیگر تحصیل کنند، یعنی دانش‌آموزان تیزهوش در کنار دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس عادی حضور یابند و تحصیل کنند. در موقعیت‌های آموزش فراگیر، تعامل اجتماعی و شبکه‌های دوستی بین کودکان عادی و کودکان با توانایی‌های گوناگون و به عکس به‌طور طبیعی ایجاد و توسعه می‌یابد.

بدین ترتیب عادی‌سازی فرایند پیچیده‌ای است که براساس ارزش‌هایی، مانند احترام به انسان، حرمت انسان و حقوق انسانی بنا شده است. این اصل در سال‌های اخیر در میان روان‌شناسان، متخصصان تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان و مددکاران اجتماعی و دیگر گروه‌های حرفه‌ای، مخالفت‌ها و موافقت‌های بسیاری را برانگیخته و اجلاس‌ها و سمینارهای متعددی را به خود اختصاص داده است.

چندین روش مختلف جایابی آموزشی مطرح است. یکی از این روش‌ها، روش یکپارچه‌سازی آموزشی است، یعنی تمام دانش‌آموزان را با تمام استعدادها کنار هم و با هم آموزش دهیم و آن‌ها را از یکدیگر جدا نکنیم و در صورت ضرورت از برنامه‌های آموزش انفرادی و اتاق مرجع استفاده کنیم. دانش‌آموزان تیزهوش نیز جزء دانش‌آموزان با نیازهای ویژه هستند. یکپارچه‌سازی آموزشی به این معناست که دانش‌آموزان تیزهوش را نباید از مدارس عادی جدا کنیم؛ بلکه آن‌ها نیز باید در محیط عادی و در کنار

### نظام آموزش فراگیر تأکید دارد که

دانش‌آموز باید در محیط مدرسه،

درس زندگی در جامعه را بیاموزد،

مهارت‌های

اجتماعی را کسب

کند و یاد بگیرد

که چگونه در

جامعه و در کنار

دیگر شهروندان

زندگی کند

تحقق هدف‌های آموزش فراگیر اصلاح شود و تغییر یابد.  
۶- همهٔ معلمان و کارکنان و خانواده‌ها در برنامه‌ریزی آموزش فراگیر و بازنگری برنامه‌ها مشارکت داشته باشند.

در نظام آموزش فراگیر، اگر سطح علمی معلمان بالا رفت و مدرک دکترای خود را گرفتند، نباید از وزارت آموزش و پرورش خارج شوند، بلکه باید از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنان برای اجرای بهتر برنامه‌های آموزش فراگیر استفاده شود. بدیهی است اگر معلمان توانمندی‌های لازم را نداشته باشند و آموزش تخصصی نبینند، نمی‌توانند به پرسش‌های متعدد و نیازهای علمی دانش‌آموزان تیزهوش پاسخ دهند. متأسفانه در حال حاضر، معلمان پس از کسب مدارج بالای علمی از وزارت آموزش و پرورش خارج شده و به دانشگاه می‌روند و این وزارتخانه نتوانسته است نیروهای توانمند خود را جذب و حفظ کند و وزارت آموزش و پرورش برای آنان دافعه دارد!

در حال حاضر، در سراسر جهان، تلاش می‌شود رهبران و متخصصان آموزشی، جامعه را گونه‌ای در نظر بگیرند که همهٔ شهروندان و اعضای آن‌ها دارای ارزش هستند و یکدیگر را تکمیل و کامل می‌کنند. رهبران و متخصصان آموزشی به نیکی می‌دانند که چگونه ساختار یک جامعهٔ فراگیر باید از مدارس آغاز شود. رهبران و متخصصان آموزشی کشور ما نیز باید بدانند که چگونه به فرزندانمان درس زندگی و کار کردن در کنار یکدیگر را، نه تنها در حد تحمل کردن، بلکه در حد احترام و ارزش‌گذاری به تفاوت‌های فرهنگی، قومیت، زبان و دیگر زمینه‌ها آموزش دهیم و سعی کنیم با احساس تعلق به ایران، همه در کنار هم و با حفظ وحدت و هویت، ایرانی آزاد، مستقل، آباد و سربلند بسازیم.



## منابع

- ۱- انجمن ناتوانی‌های هوشی و رشدی آمریکا (۲۰۱۰). ناتوانی هوشی، تعریف، طبقه‌بندی و نظام‌های حمایتی (ویرایش یازدهم). ترجمهٔ احمد به‌پژوه و مونا دلاوریان (۱۳۹۵). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- به‌پژوه، احمد (۱۳۷۱). نهضت‌عادی‌سازی، فصلنامهٔ کودکان استثنایی (نشریه انجمن علمی کودکان استثنایی ایران) شماره پیاپی ۲، ۲۳-۳۰.
- ۳- به‌پژوه، احمد (۱۳۷۲). یکپارچه‌سازی آموزشی چیست؟ ماهنامهٔ تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۶-۱۷.
- ۴- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۴). خانواده و کودکان با نیازهای ویژه (چاپ دوم). تهران: انتشارات آوای نور.
- ۵- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۶). اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان (چاپ یازدهم). تهران: نشر دانژه.
- ۶- به‌پژوه، احمد و ترابی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). مقایسه نگرش معلمان ویژه و عادی و شناسایی متغیرهای مرتبط با نگرش معلمان نسبت به دانش‌آموزان نابینا و یکپارچه‌سازی آموزشی آنان، روان‌شناسی معاصر، ۳، ۲، ۵۰-۶۰.
- ۷- به‌پژوه، احمد و عاشوری، محمد (۱۳۹۳). دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و آموزش فراگیر، نقش اولیا و معلمان، نشریهٔ پیوند (وزارت آموزش و پرورش)، شمارهٔ پیاپی ۷، ۲۲۰-۱۴.
- ۸- به‌پژوه، احمد، غباری‌بناب، باقر، حجازی، الهه و حسین‌خانزاده، عباسعلی (۱۳۸۴). مقایسهٔ مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌شنوا در مدارس تلفیقی و استثنایی، فصلنامهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)، ۳۵، ۲، ۶۳-۸۳.
- ۹- کاظمی، صدیقه، امین‌خندقی، مقصود، به‌پژوه، احمد و غنایی، علی (۱۳۹۲). پارادیم‌های حاکم بر تربیت ویژه از منظر جامعه‌شناسی علم. پژوهش‌نامهٔ مبانی تعلیم و تربیت (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱، ۱، ۱۱۱-۱۳۶.
- ۱۰- لورمن، تیم؛ دلبر، جوان و هاروی، دیوید (۲۰۰۵). آموزش فراگیر: راهنمای عملی در حمایت از یادگیرندگان با توانایی‌های گوناگون. ترجمهٔ احمد به‌پژوه و عباسعلی حسین‌خانزاده (۱۳۹۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 1 - Bank - Mikkelsen, N.E. (1980). Denmark, in R.J. Flynn & K.E Nitsch (Eds.), Normalization, Social Integration and Community Services. Baltimore: University Park Press.
- 2 - Beh-Pajooh, A. (1988). What is Integration? Department of Psychology, University of Keele.
- 3 - Beh-Pajooh, A. (1991). The effect of social contact on college students' attitudes toward severely handicapped students and their educational integration, Journal of Mental Deficiency Research, 54) 352-339, 35 Citation).
- 4 - Beh-Pajooh, A. (1991). Social interactions among severely handicapped children, non-handicapped children and their mothers in an integrated playgroup. Early Child Development and Care, 8) 94-83, 1, 74 Citation).
- 5 - Beh-pajooh, A. (1992). The effect of social contact on college teachers' attitudes toward students with severe mental handicaps and their educational integration, European Journal of Special Needs Education, 59) 103-87, 2, 7 Citation).
- 6 - Landesman, S. & Butterfield, E.C. (1987). Normalization and Deinstitutionalization of Mentally Retarded Individuals: Controversy and Facts. American Psychologist, 816 - 809, 8, 42.